

۸۷/۱/۱۰۰۴۹۰
۸۷/۱۰/۱۵



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته تاریخ (گرایش اسلام)

عنوان:

روند تدریجی گسترش اسلام در کشمیر

استاد راهنما:

دکتر علی اصغر مصدق رشتی

استاد مشاور:

دکتر محمدعلی اکبری

پژوهش گر:

اعظم مظاهری

بهمن ۱۳۸۶

۱۰۷۱۷۳

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه بهشتی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۰

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم که لحظه‌ای از تلاش برای
موفقیتم دریغ نکردند
و امروز تنهامی توانم بر دستان پر مهرشان بوسه زنم

و

تقدیم به نامزدم محسن که مشوق، یاری‌رسان و
همراهم بود در تمام لحظات.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵	فصل اول: جغرافیا و کلیات کشمیر.....
۶	۱- جغرافیای سیاسی.....
۸	۲- جغرافیای طبیعی.....
۱۰	۳- جغرافیای اقتصادی کشمیر.....
۱۳	۴- جغرافیای انسانی.....
۱۵	۵- موقعیت ژئوپلیتیکی.....
۱۸	۶- یادمان‌های تاریخی کشمیر.....
۲۰	فصل دوم: وجه تسمیه‌ی کشمیر.....
۲۱	کشمیر در اساطیر.....
۲۵	اندر عجایب کشمیر.....
۲۸	فصل سوم: پیشینه‌ی تاریخی کشمیر؛ قبل از ورود اسلام (شاهمیران).....
۳۰	آریایی‌ها در هند.....
۳۰	آریایی‌ها در کشمیر.....
۳۱	موراها و آشوکا.....
۳۳	یونانی‌های باختر.....
۳۴	کوشانیان.....
۳۴	هون‌ها.....
۳۵	کار کوتاها.....
۳۸	اوتپالاها.....
۴۰	محمود غزنوی و حمله به کشمیر.....
۴۲	هارشا.....
۴۴	اوکچالا.....

۴۴.....	رینچن شاه
۴۷.....	فصل چهارم: اوضاع مذهبی کشمیر (قبل از حکومت شاه میران)
۴۸.....	مذهب در کشمیر؛ پیش از اسلام
۴۹.....	اسلام در کشمیر
۵۲.....	تصوف در کشمیر
۵۷.....	علل و چگونگی گسترش اسلام در کشمیر

۶۰..... فصل پنجم: شاه میران

۶۱.....	شاه میر
۶۲.....	سلطان جمشید
۶۳.....	سلطان علاءالدین
۶۴.....	سلطان شهاب الدین
۶۵.....	سلطان قطب الدین
۶۵.....	سلطان سکندر بت شکن
۶۸.....	سلطان علی شاه
۶۸.....	سلطان زین العابدین
۷۳.....	سلطان حیدر شاه
۷۳.....	سلطان حسن شاه
۷۴.....	محمدشاه (دوره ی اول)
۷۶.....	سادات بیهقی
۷۷.....	فتح شاه (دوره ی اول)
۷۸.....	محمدشاه (دوره ی دوم)
۷۸.....	فتح شاه (دوره ی دوم)
۷۸.....	محمد شاه (دوره ی سوم)
۷۹.....	سلطان ابراهیم شاه
۸۰.....	سلطان نازک شاه
۸۰.....	سلطان محمدشاه (دوره ی چهارم)

سلطان شمس‌الدین ۸۱

فصل ششم: میرزا حیدر دوغلات و کشمیر ۸۲

تهاجم دوغلات به کشمیر ۸۳

نظرات مختلف راجع به میرزا حیدر دوغلات ۸۹

گرایش‌های مذهبی میرزا حیدر دوغلات ۹۱

فصل هفتم: میرسیدعلی همدانی؛ مروج اسلام در کشمیر ۹۳

ولادت و سلسله‌انساب همدانی ۹۴

میرسیدعلی همدانی و علاءالدوله سمنانی ۹۵

تحصیلات میرسیدعلی همدانی ۹۶

اسفار میرسیدعلی همدانی ۹۷

ملاقات میرسیدعلی همدانی با تیمور گورکانی ۹۹

بررسی تشیع میرسیدعلی همدانی ۱۰۰

میرسیدعلی همدانی در کشمیر ۱۰۳

آثار و تالیفات میرسیدعلی همدانی ۱۰۵

وفات میرسیدعلی همدانی ۱۰۶

تأثیرات میرسیدعلی همدانی برگسترش اسلام در کشمیر ۱۰۷

فصل هشتم: مذهب در عهد شاه‌میران ۱۰۸

فصل نهم: دوره‌ی چاک‌ها ۱۱۴

قدرت‌گیری چاک‌ها ۱۱۵

غازی‌خان چاک ۱۲۱

حسین‌شاه ۱۲۳

علی‌شاه ۱۲۴

یوسف‌شاه ۱۲۶

۱۲۸ یعقوب شاه
۱۳۰ فصل دهم: مذهب چاک‌ها
۱۳۶ فصل یازدهم: میرشمس‌الدین عراقی؛ مروج تشیع در کشمیر
۱۴۱ فصل دوازدهم: نظام اداری کشمیر
۱۴۲ شاه
۱۴۲ نمادهای حاکمیت
۱۴۳ وزیر
۱۴۳ دیوان کل
۱۴۳ وزارت امور مذهبی
۱۴۴ اصطبل شاهی
۱۴۵ میربخشی
۱۴۵ امیری‌دار یا مالک خزانه
۱۴۵ نظام جاسوسی
۱۴۷ حکومت ایالتی و شهری
۱۴۷ امور نظامی
۱۴۹ نظام مالی
۱۵۰ تجارت
۱۵۲ صنایع
۱۵۳ نتیجه
۱۵۴ منابع و مأخذ

مقدمه

تحقیق حاضر که به تاریخ کشمیر در قرون میانی و چگونگی رشد و گسترش اسلام در کشمیر می‌پردازد بر اساس مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای فراهم گردیده است. که در آن به دو سلسله اسلامی کشمیر یعنی شاهمیران و چکاها پرداخته شده است. شاهمیران که گفته می‌شود سر سلسله آن شاهمیر فردی ایرانی و خراسانی بوده است که در کشمیر توانسته زمام حکومت را بدست گیرد و با اقدامات شاهان این سلسله و حمایت از صوفیان و عارفان ایرانی از حمله میرسید علی صرافی و پسرش میر سید محمد همدانی توانستند سبب ساز گسترش اسلام در این خطه گردند. شاهمیران با تهاجم فردی مغولی از شاخه جغتائیان به نام میرزا حیدر در غلات به پایان رسید و پس از آن سلسله چکاها با حمایت و کمک‌های مادی و معنوی میر شمس‌الدین عراقی که تحت تأثیر وی به تشیع گردیدند توانستند به سلطه ده ساله میرزا حیدر در غلات در کشمیر خاتمه دهند و خود حکومت را بدست گیرند. اما این سلسله نیز پس از مدتی با تهاجم اکبر شاه گورکانی مواجه گردید و با سقوط چکاها استقلال کشمیر نیز به پایان رسید.

محقق در تحقیق حاضر به دنبال اثبات و یا رد فرضیه‌ای نمی‌باشد زیرا تحقیق حاضر، تحقیقی توصیفی بوده و تنها به روایت و شناساندن این دو سلسله اسلامی در کشمیر بسنده نموده است. و آنچه که رویکرد اصلی تحقیق است اثبات این مطلب می‌باشد که اسلام در کشمیر نه به واسطه قدرت شمشیر و با اعمال زور و با تهاجمات نظامی افرادی چون محمود تحرمونی، بلکه توسط عارفان و صوفیان ایرانی، رشد نمود و این رواج اسلام به همراه رشد و گسترش زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانیان بود که امروز نیز ادامه دارد.

مقدمه:

در تحقیق پیش رو از منابع و تحقیقات موجود تا حد امکان استفاده شده است که از جمله این منابع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۰ تاج تر نگینی که اثر پرنس کلپن کشمیری است که به عنوان شاعری تاریخ‌نویس و حماسه‌سرایی بزرگ توانسته است در اثر خود وقایع سیاسی چندین هزار ساله کشمیر را در سال ۵۴۵ هـ.ق / ۱۱۴۸ م به رشته تألیف در آمده است.

۲۸۰ سال پس از تألیف این کتاب در عصر سلطان زین‌العابدین (۹۲۷-۸۷۹ هـ.ق) ملا احمد کشمیری آن را به فارسی ترجمه کرد اما این ترجمه از بین رفت و یکصد و نوزده سال پس از ترجمه ملا احمد کشمیری در سال ۹۲۷ هـ.ق به امر اکبرشاه و توسط ملا شاه محمد شاه آبادی کشمیری به فارسی ترجمه شد. کلمفس به غشان پدر تاریخ در ادبیات نیکرت نخستین فردی است که در شبه قاره هند و پاکستان تاریخ ۴ هزار ساله کشمیر حکومت می‌کرده، آغاز شده و در سال ۱۱۴۹ م خاتمه می‌یابد و متضمن ۸ کتاب یا ترنگ و ۸ هزار اشکوک است. کتاب حاضر برای تحقیق راجع به تاریخ

دوران باستان و اشلوک است. کتاب حاضر برای تحقیق راجع به تاریخ دوران باستان و اساطیری کشمیر حائز اهمیت فراوان است که در تحقیق حاضر نیز از آن بهره برده شده است.

۲- طبقات اکبری تألیف نظام‌الدین مقیم هروی که در جلد سوم کتاب خود به ذکر حکومت شاهمیران و چکاه‌ها در دو بخش می‌پردازد و در این ضمن به ذکر دوران سلطنت هر یک از شاهان این دو سلسله می‌پردازد. این اثر برای نشان دادن و آگاهی دادن به خواننده از اهمیت خوبی برخوردار می‌باشد.

۳- منتخب التواریخ اثر عبدالقادر بدونی و ترجمه مولوی احمد علی صاحب است که مولف در سال ۹۴۷ هـ در عهد اکبرشاه در بداون متولد گردید و در علوم زمان خود از جمله تاریخ، حدیث، فقه، تفسیر، جنون، موسیقی، منطق و شعر مهارتهایی سبک نمود. سال ۹۸۲ به دربار اکبر پیوست و به سبب عمق معلومات و ذکاوتی که داشت مورد توجه اکبر شاه قرار گرفت و مأموریت یافت تا کتابهایی از زبان سانسکریت به فارسی تألیف و ترجمه نماید. او مدتی مأمور اتمام تاریخ الفی شد و سپس منتخب التواریخ را که به تاریخ بدوانی نیز معروف است، تألیف کرد و امر تقاپس از مرگ اکبر شاه یعنی تا سال ۱۰۲۴ هـ کسی از آن کتاب اطلاع نداشت. قلی خان مؤلف منتخب الباب می‌گوید: کتاب نخستین بار در دهمین سال سلطنت جهانگیر مورد توجه قرار گرفت. اما به سبب لحن اعتراض آمیزی که نسبت به اکبر شاه داشت توسط جهانگیر شاه توقیف گردید. بخش اعظمی از این کتاب در واقع منتخب اکبری است اما او اطلاعات خود را از منابع دیگری چون تاریخ مبارک شاهی تألیف مبارک مروزی، نظام التواریخ بیضاوی و لب التواریخ یحیی قزوینی کسب نموده است. کتاب حاوی یک مقدمه، شامل حمد خداوند، لغت پیامبر و خلفای راشدین، فواید تاریخ، سبب تألیف و روش کار و شامل ده طبقه است که در مورد عوزیان، ممالیک، خلجیان، تغلقیان، سادات، بودیان، تیموریان، سوریان، در دوره تیموریان وی تا ۴۰ سال سلطنت اکبر شاه را مورد توجه قرار داده است. لحن کتاب متملقانه نیست بلکه او اسباب و علل حوادث را با شیوه‌ای انتقادی آشکار نموده است.

۴- اکبرنامه از ابوالفضل مبارک نیز یکی از منابع مورد استفاده است که به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد به چاپ رسیده است. در اکبرنامه مؤلف به حوادث و رخدادهای مربوط به دوران سلطنت اکبرشاه پرداخته است و در همین راستا به تسخیر کشمیر توسط اکبر شاه نیز اشاره کرده است.

۵- تاریخ فرشته اثر محمد قاسم هندو شاه تحجولانی که در دو بخش از آن به حکومت شاهمیران و چکاه‌ها پرداخته است و به ذکر اسامی هر یک از شاهان این دو سلسله و رخدادهای مربوط به هر یک از آنها توجه کرده است.

۶- تاریخ الفی توسط احمد تقوی، آصف خان قزوینی و عبدالقادر بدوانی گردآوری شده است و به تلاش غلامرضا طباطبایی مجد به چاپ رسیده است. در این کتاب راجع به شاهان دوره

اسلامی کشمیر به دوره شاهمیران و سلطان زین‌العابدین و اوضاع فرهنگی و سیاسی دوران مربوط به آن، به مطالبی اشاره شده است که در منابع دیگر کمتر به آن‌ها پرداخته شده است.

۷- تاریخ هند و سند و کشمیر اثر خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی که تاریخ هند آن از نظر محتوایی به سه بخش بزرگ تقسیم گردیده است.

۱- قسمت جغرافیایی و گاهنگاری که مبتنی بر تاریخ ماللهند بیرونی و با توصیفی از ۴ دوره زمانی هندوان «گویی‌ها» که عالم بودایی از کشمیر به نام کالاشری مصنف بوده است. ۲- تاریخ سلاطین دهلی که بر اساس جلد سوم «تجزیه الاعصار و ترجیه الاعصار» اثر تحت‌الحمایه خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی شرف‌الدین عبدالله شیرازی یا وصاف‌الخصره است. ۳- توصیف زندگی و تعالیم ساکیمونی که همراه با تاریخ مختصر کشمیر و فهرستی از کتب بودایی که به کمالاشری بر می‌گردد. در واقع تاریخ هند خواجه، بر اساس منابع اسلامی و منابع نوظهور بودایی مبتنی شده است. کالاشری که عالم بخشی بوده و اطلاعات زیادی در موردش وجود ندارد احتمالاً اهل کشمیر بوده است و به دستور قویلهای جانشین منگوتا آن به ایران آمده و پس از مرگ آن‌جا مانده و خواجه که وی را فردی صاحب نظر در زمینه اساطیر هندوها می‌دیده از زبان وی به ذکر مهمترین وقایع چهار دوره زمانی عالم یوگی‌ها پرداخت است.

۸- تاریخ رشیدی اثر میرزا محمد حیدر دوغلات (۹۰۵-۹۵۷ هـ.ق) از شاهزادگان مغولی جغتایی و پسرخاله ظهیرالدین محمد بابر که پس از مرگ پدرش توسط شکیب‌خان، مدتی شاگرد بابر گذرانده و سپس نزد سلطان سعید خان رفته و پس از مرگ سلطان سعید خان، نیز نزد کامران میرزا و سپس همایون شاه می‌رود. پس از شکست همایون از شیر شاه افغان، میرزا حیدر از او رخصت خواسته و به کشمیر رفت و پس از تصرف آن‌جا برای ده سال به حکومت می‌پردازد و در این مدت خطبه را به نام نازک شاه یا نادرشاه از شاهان اسمی شاهمیری می‌کند. وی در سال ۹۵۷ هـ.ق کشته می‌شود. میرزا حیدر در غلات کتاب خود را در ۲ بخش تألیف کرده است که بخش نخست آن را در ۹۴۸ هـ.ق تحت عنوان تاریخ مختصر، تألیف نموده و بخش دوم را در سال ۹۵۳ هـ.ق به اتمام رسانیده که تاریخ اصل می‌باشد و تاریخ خوانین مغول از رندگار تعلق تیمور تا عبدالرشید سلطان را در بر می‌گیرد. خود میرزا حیدر دو غلات در مورد انگیزه‌اش برای تألیف کتاب آورده است که برخی از خوانین مغول اهل اسلام بوده‌اند و من شرح حال ایشان را از افراد مطمئن شنیده بودم تا شخصاً شاهد وقایع و حوادث روزگار بخشی از ایشان بوده‌ام، چون دیدم کسی که از احوال ایشان مطلع باشد باقی نمانده و گردن به نوشتن تاریخ آنان اقدام نکنم مغول و خود قین مغول نسبت خود را گم خواهند کرد تصمیم به بیان احوال ایشان نمودم. از سوی دیگر چون افاضل بهره‌چندانی از احوال خواقین نداشتند نخواستم آن‌ها را به زحمت بیندازم. دلیل دیگری که وی برای تألیف کتاب ذکر می‌کند آن است که افاضل ما در المخر و خراسان در آثار خود خواقین مغول را تا آن‌جا که به وقایع مورد نظر مربوط بوده، نوشته و توجهی به موضوعات دیگر نداشتند. از جمله خواجه رشیدالدین در جامع التواریخ، حمداله مستوفی در تاریخ گزیده، شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامه و میرزا الخ بیگ

در اولوس اربعه تاریخ رشیدی وقایع خراسان ، مامرد النهر ، ترکستان غربی و شرقی ، تبت ، الاوخ ، گیل گیت ، وخان ، بدخشان ، افغانستان ، کشمیر و هند شمالی را در بر می‌گیرد. هم‌چنین به روابط شاه اسماعیل با ازبکان و سرگذشت شکیب خان و تاریخ بابر گورکانی نیز می‌پردازد. آنچه اهمیت این اثر را افزونتر می‌نماید شرح وقایع مربوط به شاخه‌ای از تاریخ خاندان چنگیزی است که در منابع دیگر کمتر در مورد آن‌ها سخن به میان رفته است.

در تحقیق خاندان چنگیزی است که در منابع دیگر کمتر در مورد آن‌ها سخن به میان رفته است.

در تحقیق حاضر از سایر منابع و مأخذ موجود نیز تا حد امکان استفاده شده است که این شامل مطالعات جدید نیز که توسط محققین علاقمند ، صورت گرفته می‌باشد.

محقق در تحقیق روبرو ، به دنبال اثبات فرضیه و یا در پی پاسخ دادن به سئوالی نمی‌باشد بلکه سعی در پرداختن به این مسأله دارد که مروج واقعی اسلام در کشمیر ، عارفان و صوفیان ایرانی بودند که با تلاش خود و بدور از هرگونه خشونت یا اعمال زور توانستند فرهنگ و مذهبی را در میان کشمیریان رواج دهند که امروزه نیز پس از قرن‌ها این نفوذ و تأثیر فرهنگ غنی ایرانیان در عرصه‌های مختلف فرهنگی ، اقتصادی و مذهبی به وضوح قابل مشاهده باشد. دو سلسله اسلامی شاهمیران و چکاها که در قرون میانی بر کشمیر حکومت کردند مورد بررسی قرار گرفته و در این بین توجه به نقش میرسید علی همدانی و سایر ایرانیان بخش قابل توجهی از کار را به خود اختصاص داده است.

امید است که با مطالعات و تحقیقات جامعتری که توسط سایر محققین در آینده راجع به کشمیر صورت خواهد گرفت ، تصویر روشنی از مسائل و مشکلات کنونی کشمیر ترسیم شود که با مطالعه آن بتوان راه حلی برای پایان دادن به این معضل خانماسوز که چندین سال است کشمیر را درگیر رقابت‌های توسعه طلبانه دو قدرت منطقه ، که هر دو مدعی سلطه بر کشمیر هستند ، یافت.

فصل اول:

جغرافیا و کلیات کشمیر

۱- جغرافیای سیاسی

کشمیر در قسمت‌های جنوبی آسیا، در شمال شرقی شبه‌قاره‌ی هند قرار دارد که از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان، از غرب با پاکستان و از جنوب با ایالت‌های هیمالیاچال پرادش و پنجاب هند هم‌مرز می‌باشد.^۱ این منطقه از شمال به جنوب ۶۴۰ کیلومتر و از شرق به غرب ۴۸۰ کیلومتر طول دارد و بین عرض جغرافیایی ۳۲/۱۷ و ۳۶/۵۸ درجه شمال و طول جغرافیایی ۷۳/۲۵ و ۸۰/۳۰ شرقی واقع شده است.^۲ در شرق، کشمیر با استان‌های سین‌کیانگ و تبت چین و در غرب، در مجاورت جمهوری‌های مسلمان تاجیکستان و ازبکستان قرار دارد که توسط باریکه‌ی واخان از آن‌ها جدا می‌گردد. کشمیر شامل دو قسمت جامو و کشمیر است که در قلمرو هند قرار دارند و مرکز آن سری‌نگر است و دیگری، کشمیر آزاد است که به مرکزیت مظفرآباد، تحت اداره‌ی پاکستان می‌باشد. حفاصل بین کشمیر هند و پاکستان را "خط آتش-بس" (Line of Control) به طول ۱۳۵۸ کیلومتر، که پس از سومین جنگ هند و پاکستان توسط سازمان ملل متحد ایجاد شد، جدا می‌سازد.

۷۸۱۱۴ کیلومتر مربع از مساحت کشمیر، تحت کنترل پاکستان است که در جنگ سال ۱۹۴۷/۴۸ به تصرف پاکستان درآمد و مساحتاً در حدود ۳۷۰۰۰ کیلومتر مربع از آن را که شامل مناطق ارخ واقع در شمال-شرقی کشمیر می‌شود، در جنگ سال ۱۹۶۲ به اشغال چین درآمد که بعدها پاکستان، مساحتاً برابر ۵۱۸۰ کیلومتر مربع دیگر را نیز به چین واگذار کرد. در واقع کشمیر از سه منطقه‌ی شمالی که در اختیار چین است و شمال غربی که تحت تصرف پاکستان می‌باشد و منطقه‌ی کنترل هند تشکیل شده است. طول مرز این ایالت با پاکستان حدود ۹۰۰ کیلومتر است.^۳

کشمیر از نظر سوق‌الجیشی حائز اهمیت بسیار است، بدین جهت دو کشور هند و پاکستان در پی ایجاد سلطه‌ی بیشتر بر تمام این سرزمین هستند و تاکنون بین این دو کشور، سه جنگ عمده به منظور تسلط بر کشمیر در سال‌های (۱۹۴۸-۱۹۶۵-۱۹۷۱) اتفاق افتاده است.^۴

ایالت جامو و کشمیر که از نقطه نظر سیاسی به کشمیر معروف است، از ۵ منطقه‌ی جداگانه تشکیل یافته که عبارتند از: دره‌ی کشمیر، جامو، لداخ، بلتستان و دردستان.^۵ پنج رود مهم کشمیر عبارتند از: سند، جهلم، چناب، راوی و ساتلج که یا از کوه‌های کشمیر سرچشمه می‌گیرند و یا از این سرزمین می‌گذرند.^۶

۱- ناصری، حمیدرضا، کشمیر؛ گذشته، حال، آینده، ذکر، ۱۳۷۹، ص ۲۳.

۲- حسین، الطاف، کشمیر؛ بهشت زخم خورده، فریدون دولت‌شاهی، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱.

۳- ناصری، حمیدرضا، پیشین، ص ۲۳-۲۲.

۴- ناصری، پیشین، ص ۲۳-۲۴.

۵- حسین، الطاف، کشمیر؛ بهشت زخم خورده، ص ۱.

۶- ناصری، حمیدرضا، کشمیر؛ گذشته، حال، آینده، ص ۲۴.

وسعت و جمعیت

کشمیر با وسعتی معادل ۲۲۲۸۸۰ کیلومتر مربع، دارای بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت می‌باشد که از این میان، ۸ میلیون نفر درکشمیر هند به سر می‌برند که ۸۰ درصد آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و بیش از ۳ میلیون نفر درکشمیر آزاد به سر می‌برند که دارای ۹۸ درصد مسلمان می‌باشد. بیش از یک میلیون نفر نیز به پاکستان و سایر کشورها مهاجرت کرده‌اند.^۱

جغرافیای تاریخی کشمیر

«کشمیر ولایتی است قریب وسط اقلیم چهارم، چه اول آن اقلیم آن جاست که عرض سی و سه درجه است و ۵۴ دقیقه و عرض کشمیر از خط استوا سی و پنج درجه است و طولش از جزایر سعاد، صد و پنج درجه.»^۲ و به موجب قرارداد مساحان یونانی «در وسط اقلیم چهارم واقع است که عرض آن از خط استوا، سی و پنج درجه و طول آن از جزایر خالدات یک صد و پنج درجه است و به حساب هندیان در اول اقلیم چهارم واقع است، چه عرض آن از خط استوا سی و چهار درجه و هشت و نیم دقیقه و طول آن از جزایر خالدات، یک- صد و هشت درجه است.»^۳

به گفته‌ی امین احمد رازنی در هفت اقلیم، «جنوب کشمیر به جانب زمین هند و لاهور است، شمالش به طرف بدخشان و جنوب خراسان و غربش به جایی است که محل اقامت اقوام اوغانان و شرقش، اراضی تبت و تمام کشمیر سی و دو پرگنه دارد.»^۴

«و از جمیع جوانب فرموده است به رواسخ جبال کوه جنوبی به جانب دهلی و زمین کوه شمالی به طرف بدخشان و صوب خراسان و جانب غربیش به صوب مواضعی است که محل اقامت و یورت اقوام اوغانی می‌باشد و طرف شرقیش منتهی می‌شود به مبادی اراضی تبت»^۵ کشمیر ولایتی است «در حصه ایشیا، که سمت شرق ایشیای چین و جانب شمال آن وسط ایشیا و طرف غرب و جنوب آن ایشیای هند یافت می‌شود.»^۶

اقالیم چهارم که طول آن دوهزار و دویست و شصت و شش فرسنگ و عرض نود و نه فرسنگ و درین اقلیم بیست و پنج کوه و بیست و دو دریا، رنگ مردم گندم‌گون مایل به سفیدی، طول بهار پانزده ساعت ربع کم.

^۱ - Aural, Stein, Ancient Geography OF Kashmin. Gulshan, 2005.p:25

^۲ - دوغلات، میرزا حیدر، تاریخ رشیدی، مصحح عباسقلی غفاری فرد، میراث مکتوب، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۸.

^۳ - کویه‌های، پیر غلام، تاریخ حسن. ج ۱، ص ۳۸.

^۴ - رازی، امین احمد، هفت اقلیم، مصحح جواد فاضل، ادیبه، ج ۲، ص ۱۰۹.

^۵ - همان، ص ۱۱۰.

^۶ - پیرغلام کویه‌های. تاریخ حسن، ج ۱، ص ۳۸.

۲- جغرافیای طبیعی

کوه‌های کشمیر

دیوار کشمیر بیابانی است. «کوه‌های عالی منبع شاهقی به او محیط، زمینی نمناک دارد. کوهی است بزرگ آن را معونه برود خواسته و کشمیر درمیان آن کوه نهاده است. سه جهت مغرب، مشرق و جنوب آن به جانب هند است و یک کوه عالی درمیان هر دو مملکت است که بر قله‌ی آن زمین ترکستان است و تبت، سرخ می‌نماید و زمین هند دارای مغاک است که از آن سر کوه، سیاه و تیره نماید و کوه‌ها بلند و عالی است.^۱ کوه‌هایی که کشمیر را محاصره کرده‌اند، از سه رشته کوه اصلی به نام‌های پیرپنجال، دره‌ی جهلوم و رشته کوه‌های شمال شرقی تشکیل شده‌اند. رشته کوه‌های پیرپنجال که بلندترین کوه‌های حایل را تشکیل می‌دهند، دره‌ی کشمیر را از دشت‌های هند جدا می‌سازد. این کوه‌ها از شرق به غرب کشیده شده و سپس به شمال غربی پیچیده و ۸۰ کیلومتر در این جهت ادامه مسیر می‌دهد تا منطقه‌ی ته‌تی کوتی با ۱۰۰۲۴ پا، به بلندترین ارتفاع خود می‌رسد و سپس به سوی دره‌ی جهلوم رفته و از ارتفاع آن‌ها کاسته می‌شود. رشته کوه‌های دره‌ی جهلوم در امتداد رود جهلوم تا دودل؛ محل تلاقی دو رود جهلوم و کیشان گنگ ادامه می‌یابد. رشته کوه‌های شمال شرقی، دره‌ی را از لداخ، بلتستان و دردستان جدا می‌سازد و دو گذرگاه مهم زوجیلا و برزیل در این رشته کوه‌ها قرار دارند.

تنها زمین مسطح کشمیر، باریکه‌ای می‌باشد که در امتداد مرز پنجاب، با یک زمین دارای تپه‌های ماهوری کوتاه و جنگل‌های پراکنده هم‌جوار می‌باشد و بخشی از استان جامو را تشکیل می‌دهند. سپس رشته کوهی با ارتفاع ۱۲ تا ۸ هزار پا می‌باشد که در این منطقه سرزمینی معتدل که دره و جنگل و اماکنی مانند هابرون، کشتور، دود، رمین، رجوری، یونچ و مظفرآباد را در بر می‌گیرد به همراه سلسله جبال هیمالیا که به پیرپنجال مشهور است به طبقه‌ای منتهی می‌شود که دره‌ی کشمیر در آن قرار دارد که پلکان اول آن از آستور و بلتستان در شمال و لداخ در شرق می‌گذرد و در وادی این منطقه در منتهی‌الیه شمال غربی گیل‌گیت قرار دارد.^۲

رودهای کشمیر

سرچشمه‌ی رودها از کوه کشمیر است و «از جانب کوه، این نهر از شمال به جنوب رود و بر زمین هند گذرد و در حدود ملتان آب حمد و آب سند که منبع آن نیز از کوه کشمیر است و از جانب غربی آن کوه و

^۱ - خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ هند و سند و کشمیر، محمد روشن، میراث مکتوب، ۱۳۸۴، ص ۶۸-۶۹

^۲ - حسین، الطاف، کشمیر بهشت زخم‌خورده، ص ۱۲.

سرزمین منصوره گذرد و از شمال به جنوب رود، مایل به شرق و در حدود ملتان به هم پیوند و به دریای هندوستان که آن را بحر اخضر خوانند ریزد.^۱

حافظ ابرو در جغرافیای خود در توصیف کشمیر می‌نویسد: «و شهر کشمیر چهار فرسنگ است که به درازا برگرداگرد رود جهلم افتاده است و به میانه‌ی آن دو پل‌ها انداخته‌اند با زورق‌ها و مخرج آن به کوه‌های هرمکوت است که نیز مخرج گنگ بر آن است و غیرمسکون و برف از آن زایل نگردد و از پس آن مهاجین است یا چین سترگ و آب جهلم چون از کوه برآید و راهی دوسفره بسپرد، بر اوشتان بگذرد و از پی چهار فرسنگ از آن در جویی افتد. سنگلاخ به مقدار یک فرسنگ در یک فرسنگ که برب آن مزرعه‌ها می‌دارند و خاک از آن بر نمی‌آورند و از پی آن جوی در سنگلاخ نشسته به ولایت اوشکاها می‌رسد و به دره می‌افتد.»^۲

پنج رودخانه‌ی مهم سند؛ جهلم، چناب، راوی و ساتلج یا از کوه‌های کشمیر سرچشمه می‌گیرند و یا از این سرزمین می‌گذرند که در کشاورزی و اقتصاد هند و پاکستان نقش مهمی دارند.^۳

آب و هوای کشمیر

کشمیر در ارتفاع بین ۱۵۸۵ و ۱۷۳۹ متر از سطح دریا قرار دارد، ولی با این وجود هوای سرد و آزار دهنده‌ای که مختص این‌گونه سرزمین‌ها با این ارتفاع است، در کشمیر وجود ندارد که علت این امر نیز وجود کوه‌هایی است که آن را از هوای سرد شمالی و باد تند و سوزان جنوبی محفوظ و مصون می‌دارد. کوه‌هایی که ارتفاع آن‌ها تقریباً از ۸ هزار تا ۱۷ هزار پا می‌باشد.^۴

درجه حرارت در فصل گرما در جامو تا ۴۰ درجه‌ی سانتی‌گراد می‌رسد، در حالی که در اواسط فصل زمستان در کارگیل، سرما تا چهل درجه زیر صفر نیز کاهش می‌یابد. باران‌های زمستانی کشمیر ناشی از تغییرات جوی غرب به خصوص دریای مدیترانه می‌باشد که باعث ایجاد گردبادهای زودگذر در این منطقه می‌شود.

کشمیر دارای چهار فصل می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- بهار، که از اواسط مارس تا اواسط ماه می است، یعنی از اسفند تا اواخر خرداد ماه.
- ۲- تابستان، که از اواسط ماه می تا اواسط سپتامبر است، یعنی از اواخر خرداد تا اواخر شهریور.
- ۳- پاییز، از اواسط سپتامبر تا اکتبر، یعنی از اواخر شهریور تا اواخر مهر.

^۱ - حافظ ابرو، *جغرافیای حافظ ابرو*، مصحح صادق سجادی، نشر بنیان، ۱۳۷۵، ج اول، ص ۱۷۱.

^۲ - بیرونی، ابوریحان، *تحقیق ماللهند*، منوچهر صدوقی‌سها، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، ج اول ص ۸۸-۸۹.

^۳ - ناصری، حمیدرضا، *کشمیر؛ گذشته، حال، آینده*، ص ۲۴.

^۴ - پیشین، ص ۲۱.

۴- زمستان، از نوامبر تا فوریه که از آبان تا اواخر بهمن ماه را شامل می‌شود.^۱
 میرزا حیدر دوغلات در تاریخ رشیدی در مورد اعتدال هوای کشمیر می‌نویسد: «و هوای زمستانی، و در نهایت اعتدال با وجود کثرت برف به پوستین محتاج نمی‌سازد، چنان که برودت آن حرارت غریزی را در جلوه می‌آورد. چون تاب شعله خورشید عالم تاب نباشد طبایع از حرارت هوای آتش ابا نمی‌کند.»^۲ وی در جایی دیگر می‌نویسد: «حرارت هوای کشمیر در تابستان در کمال لطافت است، چنان که احتاج به مروحه (سه‌پنکه، بادبزن) هیچ وقتی نمی‌شود.»^۳
 در راجع ترنگینی نیز آمده است که «چشمه‌های گرم در زمستان به جهت غسل آماده و مهیا است و از لطافت انهار کشمیر آن است که آب آن در هوای گرم سرد و در هوای سرد گرم است و در آن حیوانات موزی اصلاً نیست و آب‌های آن به اعتدال جاری است.»^۴

۳- جغرافیای اقتصادی کشمیر

کشاورزی کشمیر

از کل مساحت جامو و کشمیر که تحت تصرف هند می‌باشد و ۱۳۸۱۲۳ کیلومتر است، ۶۷۴۹ روستا به مساحت تقریبی ۱۳۷۸۱۸ کیلومتر مربع وجود دارد و تنها ۲۰۵/۴ کیلومتر مربع به شهرها اختصاص دارد. به عبارت دیگر جمعیت روستایی نسبت به کل جمعیت کثیر، ۸۱/۴۱ درصد است. در این ایالت حدود ۲۸۵۲۲ کیلومتر مربع از اراضی قابل کشت است که ۱/۶ درصد آن‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم از راه کشاورزی امرار معاش می‌کنند و از طریق فروش محصولات جنگلی، پرورش کرم ابریشم، صیفی‌کاری و باغبانی، روزگار خود را سپری می‌کنند. مساحت باغ‌های میوه حدود ۷۵۰۰۰ هکتار می‌باشد و در جلگه‌های وسیع پامپور از گذشته‌های دور کشت زعفران متداول بوده است. دامپروری نیز در مناطق روستایی از منابع مهم درآمد است و هوای خنک، جلگه‌های آلی و وجود آب‌های جاری همیشگی موجب گسترش دامپروری شده است.^۵ بیش از ۳۰ درصد زمین‌های حاصل‌خیز و قابل کشت کشمیر به محصولات گندم، دانه‌های روغنی و برنج و نیز به کشت گیاهان مخدر اختصاص یافته است.^۶ دره‌ی کشمیر از دیرباز به دلیل وجود گل‌ها و گیاهان معطر شهرت داشته و همین امر، سبب رونق زنبورداری در کشمیر شده است. در کتاب‌های تاریخی کشمیر آمده است

۱- پیشین، ص ۲۲.

۲- میرزا حیدر دوغلات، تاریخ رشیدی، عباسقلی غفاری فرد، میراث مکتوب، ج دو، ص ۶۱۹.

۳- همان، ص ۶۱۸.

۴- پاندت کلهن کشمیری، راج ترنگینی، ملا شاه محمد شاه‌آبادی، راولپندی، ۱۹۷۴م، ص ۴۵.

۵- ناصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، ص ۲۶.

۶- Koul Anand, Geography of the Jammu and Kashmir State, 1978, New Dehli.

که میرسیدعلی همدانی وقتی به کشمیر وارد شد، علاوه بر ترویج و گسترش اسلام در این منطقه، باعث رواج کشت بسیاری از درختان میوه‌ی ایرانی در این منطقه گردید که تا به امروز نیز این روند ادامه یافته است.^۱ اما از گذشته، کشمیر از نظر محصولات کشاورزی و تنوع میوه‌های باغات در آن، منطقه‌ای منحصر به فرد بوده است، به طوری که میرزاحیدر دوغلات در تاریخ رشیدی در این رابطه می‌نویسد: «و از خود که به غیر ناشنایی {گلابی، آلو، آلبالو} وشه توت، گیلاس، آلو، هلو تمام مواد می‌باش، اما سیب خوب می‌شود و خود که دیگر آن قدر که آرزوشکنی توان کرد می‌باشد و از عجایب احوال یکی آن است که در کشمیر، توت بسیار می‌باشد. جهت برگ او ابریشم می‌گیرند اما خوردن او هم رسم نیست، بلکه عیب است. دیگر میوه‌ها در وقتش به حدی بسیار می‌شود که رسم خریدوفروش کمتر است. باغ‌دار و غیر باغدار برابرنند و در باغات او دیوار نمی‌باشد. و از گرفتن فرد که کسی را منع کردن رسم نیست.»^۲ و «در کوه و دشتش، انواع درختان میوه‌دار است و شمارش به غایت خوب و سازگار است، اما چون هوایش میل به سردی دارد، برف‌های عظیم می‌بارد. میوه‌های گرمسیر مثل خرما، نارنج، لیمو، و امثال آن در آن جا حاصل نمی‌شود، ولیکن از گرم‌سیرات نزدیک نقل می‌کنند.»^۳

وی هم‌چنین به انواع آبیاری موجود در کشمیر اشاره کرده و می‌نویسد: «زراعت؛ آبی است، یا دیمی و یا باغی، یا میدان‌های همواره سه برکه که مخلوط با بنفشه و انواع گل‌ها که در کنار رودخانه‌ها و گول‌خ‌هایت و در این زمین از جهت رطوبت زراعت نیک نمی‌شود. (به این سبب مانده است و آن خود یکی از لطایف اوست×) در راجع ترنگینی نیز آمده است که «از جمله خوبی‌های دیگر کشمیر آنست که زعفران‌زار است و آب آن مختلط به برف است و انگور شیرین دارد.»^۴

(تمام این عبارات زمین خوانده می‌شود و صحت ترجمه آن مورد تردید است. نسخه خطی ترکی واضح‌تر به نظر می‌رسد، اما ظاهراً از سه نوع زمین نام برده می‌شود: ۱- زمینی که زراعت آبی یارودخانه‌ای داشته ۲- زراعت با آب باران ۳- زمین همواری که در کنار رودخانه پوشیده از بنفشه و گل‌های الوان بوده و به دلیل شدت رطوبت برای زراعت مناسب نبوده است.)

معادن کشمیر

^۱ - ناصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، ص ۲۷.

^۲ - میرزا حیدر دوغلات، تاریخ رشیدی، ص ۶۲۱.

^۳ - پیشین، ص ۶۲۴.

^۴ - پیشین، ص ۶۱۸.

کشمیر به دلیل فقدان منابع معدنی غنی، سالانه مقادیر زیادی محصولات شیمیایی، الکتریکی و ماشین‌افزار را وارد می‌کند و علی‌رغم داشتن منابع آبی و جنگلی چشمگیر فاقد مواد معدنی، انرژی کافی و ذغال سنگ و نفت برای توسعه صنعت می‌باشد.^۱

از جمله معادنی که در کشمیر وجود دارد، می‌توان به معادن زیر اشاره کرد؛ زمرد که در کوه هرموکه وجود دارد. زر، که در آیین اکبری آمده است که از دریای اباسند و رودپدمنی که از می‌آید و از دریای کرشنه گنگ‌اریگ طلا به دست می‌آید که یکی به خاک شویی است و دیگر این که پوست بلند مو در آب بگسترند و بر اطراف آن سنگ نهند تا آب ببرد و پس از دو روز برداشته به آفتاب بگذارند. چون خنک شود، برافشانند و زرین ریزه دریابند. نقره و مس که انس صاحب در تاریخ خود آورده که در ملک کشمیر، کان نقره و مس و قلعی موجود است، گویند در کوهستان عیش مقام، کان مس هویدا گردد و خرجش بسیار، آمدنی کم.

آهن نیز در ملک کشمیر از چهار جا به دست می‌آید. یکی در قریه‌ی پشرگپرنه کوتهار و صوف پرگنه به رنگ نهایت صاف و ملایم. دوم در موضع که‌ریوشار پرگنه و او به درجه‌ی اوسط، سوم در موضع هرون پرگنه زینه‌گیر به شور و خراب، چهارم در موضع ژوهن پرگنه شاه آباد.

بوی گوگرد نیز در بسیاری از چشمه‌های کشمیر به مشام می‌آید، که علت آن وجود کان گوگرد در سطح زیرین این چشمه‌ها می‌باشد. «در کوهستان غربی کامراج، کان گوگرد است چنانچه در پرگنه مجهی- پور زبردانه کوه بعضی اوقات از زمین دود بر می‌آید و شبانه، شعله آتش بلند می‌شود و اهل هود آن را سویم می‌گویند. سرمه که در پرگنه که‌اوره موضع بونیار بسیار است.»^۲

صنایع کشمیر

در کشمیر مردم بیشتر به کشاورزی و صنایع دستی اشتغال دارند و صنایع فرش‌بافی، شال‌بافی، ابریشم، کارهای چوبی و دیگر صنایع دستی رواج و سابقه بسیار دارد. هر منطقه‌ی روستایی نیز صنایع چرم-ساز و روغن‌کشی و بسته‌بندی حبوبات، کوزه‌گری و صابون‌سازی توسعه یافته و موجب اشتغال ساکنان آن شده است و در این میان صنعت فرش‌بافی، هر ساله مبالغ بسیاری را به کشمیر وارد می‌سازد. در امر صنعت به دلیل فقدان برق، کمبود مواد اولیه، فقدان بودجه‌ی کافی برای گسترش صنایع و عدم برنامه‌ریزی صحیح در این رابطه، رشد و توسعه‌ی چشمگیری حاصل نشده است.^۳

نقش میرسیدعلی همدانی در گسترش صنعت و هنر در کشمیر

^۱ - ناصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، ص ۲۶.

^۲ - پیرغلام کویه‌می، تاریخ حسن، ص ۱۰۶-۱۰۵.

^۳ - ناصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، ص ۲۶-۲۷.

میرسیدعلی همدانی معروف به شاه همدان، علی ثانی، امیرکبیر و حواری کشمیر هنگامی که به همراه ۷۰۰ خانوار از سادات ایرانی به کشمیر وارد شد، علاوه بر رشد و گسترش اسلام در این منطقه، به دلیل به همراه داشتن مقدار زیادی از صنعت‌گران و هنرمندان ایرانی توانست برای اولین بار صنایع دستی ایرانی از قبیل قالی‌بافی، شال‌بافی، منبت‌کاری، چوب‌بری، سنگ‌تراشی و معادن را رواج دهد. شال‌بافی از صنایع قدیمی کشمیر بود که در این زمان رو به انحطاط می‌رفت، ولی به توصیه‌ی میرسیدعلی همدانی، سلطان شهاب‌الدین شاه‌میری، رسماً به سرپرستی و کمک‌رسانی این صنعت پرداخت و در نتیجه از نابودی این صنعت ظریف که امروزه یکی از مشخصه‌های صنعت کشمیر در جهان می‌باشد، جلوگیری نمود.^۱

نقش میرسیدعلی همدانی در ترویج صنایع دستی در کشمیر به مقداری واضح و مبرهن است که علامه اقبال لاهوری در جاویدنامه‌ی خود در ستایش امیرکبیر ایرانی در کشمیر چنین می‌سراید:

مرشه معنی نگاهان بوده‌ای	محرم اسرار شاهان بوده‌ای
خطه را آن شاه دریا آستین	داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آمزد آن مرد ایران صغیر	با هنرهای غریب و دل‌پذیر

۴- جغرافیای انسانی

ایالت جامو و کشمیر به دلیل شرایط مختلف طبیعی، تراکم جمعیتی یکسانی ندارند، چنان‌که ۵۲/۵۸ درصد از تراکم در قسمت کشمیر و ۴۵/۲۰ درصد آن در بخش جامو و تنها ۲/۲۲ درصد از جمعیت در بخش لداخ متمرکز شده است. جمعیت کل ایالت جامو و کشمیر، براساس سرشماری ۱۹۸۱ میلادی/۱۳۶۰ ه.ش، ۷۷۱۸۷۰۰ نفر بوده که با احتساب ۸/۲ درصد افزایش برای سال ۱۹۹۱ میلادی، میزان تقریبی جمعیت ۹۸۷۹۹۳۶ می‌باشد. مطابق با آخرین آمارگیری حدود ۶۷/۲۶ درصد از کل جمعیت ایالت جامو و کشمیر، باسواد هستند و از این میزان ۴۶ درصد از مردم، شهرنشین و ۲۲ درصد از مردم روستایی، باسواد هستند.^۲

ترکیب مذهبی جمعیت

ایالت جامو و کشمیر در میان ایالات هند، بالاترین درصد مسلمان را از نظر ترکیب جمعیتی دارد و ۶۹/۱۹ درصد از کل جمعیت این ایالت مسلمان هستند و سپس هندوها با ۳۰/۴۱ درصد، بودایی‌ها با ۱/۲۶

^۱ - سیدآغاحسین شاه، شاه همدان میرسیدعلی همدانی، محمد ریاض‌خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۹۵م، ص ۵۲-۵۳.

^۲ - ناصری، حمیدرضا، کشمیر؛ گذشته، حال، آینده، ص ۲۴.

درصد در مقام‌های بعدی قرار دارند. هندوها در بخش جامو، ۶۰/۶۲ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند، ولی هرچه به سوی شمال کشمیر حرکت می‌کنیم، تعداد مسلمان بیشتر می‌شود. به طور کلی در کشمیر ۹۴ درصد مسلمانان، ۲/۴۲ درصد هندوها، ۱/۲ درصد سیک‌ها هستند.^۱

ترکیب قومی و نژادی

پوست روشن و دماغ خوش ترکیب نژاد سامی از تفاوت‌های ظاهری کشمیریان در سرزمین شیر و عسل نسبت به سایر هندویان است که این خود سبب‌ساز شکل‌گیری این فرضیه در ذهن می‌گردد که آنان از قبیله‌های گمشده‌ی اسرائیلی هستند، در حالی که هیچ سند و گواهی در این باره وجود ندارد و تنها چنین انگاشته می‌گردد که قبیله‌ی سامی کوش که در کتاب مقدس تورات به نیم‌رود مشهور بودند، از ایران غربی به قسمت‌های شرقی مهاجرت کرده‌اند و شهرهای کاشان و کاشمر و یا کاشمر را نیز ایجاد نمودند و شاید پیشوند(کش) نشان از منشا نژادی و قومی آن‌ها باشد.^۲

در کشمیر چهار قوم وجود دارد که عبارتند از؛ سید، مغل، پتهان و شیخ. اما به مرور زمان این اقوام در کشمیر منفک شده و آن‌ها را طایفه‌دار می‌گویند که گروهی حرفت‌ساز و پیشه‌ور می‌باشند. طایفه مغول‌ها در زمان سلاطین کشمیر از خراسان و ترکستان در این منطقه رفت و آمد داشتند.^۳ پتهان در زمان شاهان افغانه از کابستان آمده و در کشمیر ساکن شدند و دو فرقه هستند؛ خان‌ها و خیبری‌ها. اکثر این مردم ملازم پیشه هستند که برخی اوقات به کابل و پیشاور می‌روند و بر خود عنوان و خطاب خانی را روا نمی‌دارند.

عنوان و القاب اجتماعی

از عناوین و القاب موجود در کشمیر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد:

میر= که در اصل میرزا بوده و ترحیم شده و امروزه به صورت میر تلفظ می‌گردد. این القاب بیشتر در میان سادات کشمیری به کار می‌رود. علاوه بر سادات، معمولاً مغولانی نیز که در کشمیر هستند، از این عنوان استفاده می‌کنند، با این تفاوت که در سادات، عنوان میر در ابتدای اسم اشخاص به کار می‌رود. مثلاً میرمبارک، درحالی که در اسامی مغولان عنوان میر پس از نام افراد ذکر می‌شود. مثل عزیزمیر. در بعضی موارد نیز مغولان از روی تعظیم عنوان میر را در ابتدای اسامی می‌آورند مثل میرنازک قادری.

^۱ - پیشین، ص ۲۵.

^۲ - پیشین، ص ۲۶-۲۵.

^۳ - پیرغلام کویه‌امی، تاریخ حسن، ص ۳۱۲.